

## شریح قاضی کیست؟

۷ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۶

قاضی معروف کوفه، وابسته به دربار اموی بود. شریح بن حارث، در اصل یمنی بود و در زمان عمر به قضاوت کوفه منصوب شد و مدت ۶۰ سال این شغل را داشت و برای تصاحب این منصب از ناحق جلوه دادن هیچ حقی رویگردان نبود.

قاضی معروف کوفه، وابسته به دربار اموی بود. شریح بن حارث، در اصل یمنی بود و در زمان عمر به قضاوت کوفه منصوب شد و مدت ۶۰ سال این شغل را داشت، جز در ایام عبدالله زبیر که سه سال این کار را ترک کرد و در ایام حجاج، دست از این کار کشید و خانه نشین شد تا زمان مرگش در سال ۹۷ یا ۹۸ هجری، که عمرش بیش از صد سال بود. در زمان علی علیه‌السلام هم مدتی بر منصب قضاوت بود. وقتی امام، وی را به این منصب گماشت، بر او شرط کرد که هیچ حکمی را اجرا نکند مگر آن که آن را بر آن حضرت عرضه کند. علی علیه‌السلام یک بار بر او خشم گرفت و از کوفه بیرونش کرد. وقتی ابنزیاد در کوفه، هانی بن عروه را دستگیر و در قصر با او بدرفتاری کرد، هواداران هانی در بیرون، به فکر این که او را کشتند، سر و صدا راه انداختند. شریح قاضی به امر ابنزیاد بیرون قصر آمد و شهادت داد که هانی زنده است، تا جمعیت هوادار او متفرق شوند. معروف است که وی به دستور عبیدالله بن زیاد، فتوا داد که چون حسین بن علی علیه‌السلام بر خلیفه‌ی وقت خروج کرده است، دفع او بر مسلمانان واجب است.

علی علیه‌السلام دولتمردان خود را به زهد و پرهیز از دنیاگرایی سفارش کرد تا آفات دنیاگرایی آنان را تهدید نکند و همیشه به یاد قیامت باشند. نامه امام به شریح بن حارث، قاضی آن حضرت که خانهای را به هشتاد دینار خریده بود، در بردارنده‌ی نکات مهمی است که اشاره به بخشی از آن ضروری می‌نماید:

«... به من گزارش داده‌اند که به هشتاد دینار خانهای خریدهای، برایش سندی تنظیم کرده‌ای و شاهدانی گرفته‌ای... ای شریح، بدان که در آینده‌ای بس نزدیک کسی به سراغت می‌آید که به سندات نمیلنگرد و از دلیل و شاهدانت نمیلپرسد؛ تو را بهت زده از آن خانه بیرون می‌کشد و تنها به خانهای گور می‌لسپارد. پس ای شریح، در این صورت خانهای دنیا و خانهای آخرت را یک جا باخته‌ای! ای شریح، اگر هنگام خرید آن خانه به من مراجعه می‌کردی، براساس این نسخه، برایت سندی تنظیم می‌کردم که در خریدش - حتی به بهای درهمی رغبت نمی‌کردی چه رسد به بهای افزون‌تر، و آن نسخه چنین است: خریدار: بنده‌ی خوار. فروشنده: بنده‌ای در آستانهای کوچ.

مورد معامله: خانهای از خانههای فریب آباد در منطقه نیستان و خطه‌ی تباهان. این خانه از چهار سو به چهار حد محدود میشود: اولین حد به زمینهای انواع آفات دومین حد به کانون انگیزه‌های مصیبت سومین حد به هوسهای سقوط آفرین و چهارمین حد به شیطان اغواگر: و در این حد است که در این خانه گشوده میشود...».

شریح در حکومت یزید به فرمان ابن‌زبیر، قاضی کوفه بود... و پس از شهادت مختار، به فرمان ابن‌زبیر، مجدداً به قضاوت کوفه نصب شد. و در زمان عبدالملک مروان، نیز شریح از طرف این خلیفه‌ی مروانی، چندین سال به قضاوت نصب شد. و در سال ۷۹، در زمان حکمرانی حجاج، از وی تقاضای استعفا کرد و (حجاج) با تقاضای او موافقت نمود.

«اعمش»، از علمای بزرگ عراق، از ابراهیم «تمیمی» نقل میکند که او گفت: روزی امیرمؤمنان علیه‌السلام بر «شریح» قاضی، بخاطر قضاوت غلطی که کرده بود، خشم گرفت و خطاب به شریح فرمود:

«و الله لانفینک الی ماینقیآ شهرین تقضی بین الیهود»

«به خدا سوگند، تو را به «ماینقیآ» تبعید خواهم کرد که دو ماه در آن جا بین یهودیان قضاوت کنی.»

راوی گوید: «این جریان گذشت و سالها سپری شد، تا مختار به قدرت رسید، مختار شریح را خواست و به او گفت امیرمؤمنان علیه‌السلام در فلان تاریخ به تو چه فرمود؟! شریح گفت: چنین فرمود و مطلب فوق را یادآور شد.

مختار گفت: به خدا سوگند، مجال استراحتی به تو نخواهم داد مگر این که دو ماه تو را به «ماینقیآ»، تبعید کنم و دستور داد او را به «ماینقیآ» فرستادند و دو ماه بین یهود قضاوت کرد.

یکی از مسایل مشهور که در اکثر منابع و مجالس به گوش می‌خورد، این است که «شریح» قاضی فتوای قتل امام حسین علیه‌السلام را صادر کرد و اگر چنین بود این سؤال مطرح است که مختار، چگونه می‌خواست یک چنین فردی را قاضی خود قرار دهد، آیا معقول است؟ با آن حساسیتی که مختار نسبت به قاتلین امام حسین علیه‌السلام داشت و کلا هر کس که در فاجعه‌ی کربلا به نحوی شرکت داشت به اشد مجازات رساند، تا جایی که اگر کسی از گوشت نذری که یکی از دشمنان اهل بیت در کوفه به عنوان شادی در قتل امام علیه‌السلام بین مردم کوفه تقسیم کرد، مختار دستور داد که به هر خانه‌ای که این گوشت رفته، آن خانه را ویران کنند. با این وضع چگونه ممکن است شریح، با آن موقعیت مهم که سالیان دراز، قاضی عراق بوده، فتوای خون امام حسین علیه‌السلام را داده باشد و مختار از آن بی‌خبر باشد و یا آن را نادیده بگیرد و نه تنها او را مجازات نکند بلکه ابتدا به او پیشنهاد قضاوت کوفه را بنماید.

جواب: اولاً در این که شریح قاضی، مردی بدسیرت و دنیا پرست و طرفدار حکومت‌های غاصب بوده شکی نیست و در این که نسبت

به شیعیان امیرمؤمنان علیهاالسلام عناد داشت، تردیدی نیست (به دلیل شهادت ناحقی که نسبت به حجر بن عدی، امضا کرد و نسبت به هانی بن عروه، خیانت کرد) و از این که او از آخوندهای درباری بود، کمترین شکی وجود ندارد. اما این که او در جریان قتل امام حسین علیهاالسلام دخالت و یا فتوایی داشته باشد، کمترین سندی در دست نیست. در این جا بد نیست نظر آیه الله شهید قاضی طباطبایی را به همین مناسبت بازگو کنیم که میفرماید:

«... در چندی قبل در اثنای مذاکرات دینی و انتقاداتی که نسبت به بعضی از امور اجتماعی، در یکی از منبرهای شبهای هفته مسجد «شعبان» در تبریز بالای منبر اظهار کردم: اگر از آقایان اهل اطلاع و تتبع در موضوع فتوا دادن شریح قاضی، بر واجب القتل بودن حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه) که در افواه، مشهود و در السنهلی روضه خوانها شهرت تمام دارد، مدرکی به دست آورده باشند و در کتابی که مورد اعتماد و مدرک باشد یافته دیده‌اند، این جانب را مطلع نمایند که موجبات تشکر مرا فراهم آورده‌اند، ابدا سراغی از کسی پیدا نشد...»

بنابراین جرم «شریح» قاضی همان عناد و دشمنی‌اش با شیعیان و طرفداری و تمایلش به دستگامهای جابر زمان بوده است، که مختار نیز براساس اقتضای عدالت و برای تحقق بخشیدن به تصمیم امام علی علیهاالسلام او را تبعید کرد. زیرا حضرت قسم یاد کرده بود که وی را تبعید کند اما این کار با شهادت آن حضرت عملی نشد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۵۰۴/کیست-قاضی-شریح/>